

در این نوشتار کوتاه ضمن تعریف گفتگو، از شرایط و ابزار تا قالب‌های گفتگو مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرند.

اول) تعریف گفت‌وگو

گفت‌وگو در زبان فارسی و نیز انگلیسی به معنی مکالمه، گفت و شنید، و مباحثه به ویژه برای شناخت بیشتر و مفاهیم آمده است. بدین ترتیب دیالوگ (Dialogue) در مقابل مونولوگ (Monologue) قرار می‌گیرد. مونولوگ به معنی به تنهایی سخن گفتن، سخن گفتن طولانی توسط یک نفر و به طور مشخص سخن گفتن انحصاری یا متکلم وحده بودن در یک مذاکره است.^۱

پیشینه گفت‌وگو به زمانی باز می‌گردد که بشر سخن گفتن را فرا گرفت. با این حال هیچ‌گاه سخن گفتن را با گفت‌وگو یکسان نمی‌انگارند. زبان‌شناسان و اندیشمندان برای زبان، کارکردهای متعددی برشمرده‌اند و گفت‌وگو که تافته‌یی از جنس سخن، کلام و گفتار است، با دیگر انواع سخن و گفتار تفاوت دارد.

مشهورترین گفت‌وگو که سابقه آن به آغاز تاریخ فلسفه باز می‌گردد، دیالوگ‌های سقراط با هم‌نشینان و شاگردانش است. سقراط همواره به همان اندازه درد آشنای خویش است که هم‌درد با دیگران. به اعتقاد سقراط، معرفت در ژرفای روح انسان‌ها نهفته است. تنها دشواری این است که آن را در شخص، کشف و بیدار و آشکار کنند.^۲

می‌توان چنین تفسیر کرد که تعامل هم در درون یک جامعه و تمدن معین و هم در ارتباط میان جوامع و تمدن‌ها جریان می‌یابد. از این منظر از انواع گفت‌وگوها می‌توان نام برد: «گفت‌وگو میان نسل‌ها، گفت‌وگو بین نخبگان حاکم و حکومت‌شوندگان، گفت‌وگو بین دو جنس مخالف، گفت‌وگو بین فرهنگ‌ها، گفت‌وگو بین ادیان، گفت‌وگو بین فرهیختگان آکادمیک، گفت‌وگو میان طرف‌های درگیر و گفت‌وگوی بین تمدن‌ها.»

دانستیم دیالوگ (گفت‌وگو) سقراطی محصول توجه آدمی به این نکته بود که نمی‌داند. گفت‌وگو به سقراط کمک می‌کرد که از یک‌سو معرفت خویش را رشد دهد و از دیگر

بواز و ملزومات گفت‌وگو



محمد منصور نژاد
(محقق و نویسنده)

سو به دیگران مدد می‌رساند تا احیاناً جهل مرکب خود را به جهل بسیط ارتقا داده و آنگاه در مسیر بسط معرفت گام بردارند.

از نظر هابرماس، رسیدن به وضعیت کلامی ایده‌آل، نیازمند نقد ایدئولوژی (زدودن کژی‌ها و اختلال‌های ایدئولوژیک) از پیکر ارتباط کلامی است. حقیقت نه محصولی تک ذهنی که عنصری بین‌الذنهانی است که در عمل کلام ظهور می‌یابد. پس حقیقت به داوری بین ذهنی وابسته است. بنابراین هابرماس نظریه «گفتاری حقیقت» را در مقابل نظریه‌های اثباتی و تک‌ذهنی مطرح می‌کند.^۳

دوم) شرایط و ابزار گفت‌وگو

گفت‌وگو برقراری نوعی ارتباط و مفاهمه طرفینی است که تحقق آن منوط به وجود تعدادی از شرایط و زمینه‌ها می‌باشد. تحقق این شرایط، ابزارها و زمینه‌ها است که موجب می‌شود اهداف و مقاصد گفت‌وگو عملی گردد و طرفین از مشارکت در این دیالوگ منتفع گردند. جایگاه شرط در گفت‌وگو تا حدی است که حتی در گفت‌وگوها و مناظرات دینی، بدان توجه شده است. به عنوان نمونه امام علی (ع) در یکی از مناظرات خود با یک یهودی، به این نکته توجه نموده و قبل از وارد شدن به گفت‌وگو و پاسخگویی به سؤال وی، او را مخاطب قرار می‌دهد:

«علی شرط یا ایاها الیهود... تقول معی قولا عدلا مخلصا.» ای برادر یهودی! با یک شرط با تو وارد بحث می‌شوم. گفت: چه شرطی؟ فرمود: با من بر مبنای عدل و اخلاص سخن بگویی. پس از پذیرفتن این پیش‌شرط توسط مخاطب است که امام (ع) با وی وارد گفت‌وگو می‌شوند و او را مجاب می‌نمایند.

به نظر می‌رسد بدون وجود هر یک از این عناصر، جریان گفت‌وگو انجام نمی‌پذیرد: گوینده یا پیام‌گذار؛ مخاطب یا پیام‌گیر؛ پیام یا گفتار؛ ابزار یا وسایل. با توجه به وجود این عناصر اصلی، می‌توان شرایط و لوازم گفت‌وگو را بر اساس ویژگی‌های هر یک از این وجوه، به دو دسته تقسیم نمود:

اول - شرایط درونی: اینک به وجود شرایط و زمینه‌های درونی می‌پردازیم که تحقق آنها، شرط اساسی انجام یک گفت‌وگو و مفاهمه موفق و هدفمند است.

الف) شرایط مربوط به گوینده: شناخت پیام، شناخت مخاطب، توجه به ظرفیت‌های مخاطب، شناخت نیازهای

مخاطب و زمینه‌سازی.

ب) شرایط مربوط به مخاطب: مخاطب باید علاوه بر شناخت و آگاهی از موضوع مورد گفت‌وگو، با دقت به سخنان گوینده توجه نموده و گوش فرا دهد. به علاوه خود نیز به طور فعال، وارد فرآیند گفت‌وگو و تبادل نظر شود. در غیر این صورت به جای دیالوگ، منولوگی انجام خواهد شد که برای طرفین سودمند نخواهد بود.

ج) شرایط مربوط به پیام: ویژگی‌هایی که به یک پیام قدرت و نفوذ می‌بخشد، از این قرار است:

۱) قابل آزمون و استدلال باشد و از جانب عقل و منطق حمایت شود. پیامی که احساسی باشد، دوام نمی‌یابد. منطقی بودن گفت‌وگو و پیام، زمینه پذیرش عقلانی آن را فراهم می‌سازد و آن را در اندیشه‌ها مقبول می‌نماید. بنابراین گفتارها باید قوی، استوار و روشن‌گر باشد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «فلیتقوا الله و لیقولوا قولا سدیداً.» (نساء/۹)

پس باید پروای خدا کنند و سخن محکم و متقن گویند.

۲) با احساسات، نیازها و انگیزه‌های مخاطب منطبق، آرمان‌ساز و شوق برانگیز بوده و قدرت برآورده نمودن هدف‌های مخاطب را دارا باشد.

۳) پیام باید تا حد امکان به زیور فصاحت و بلاغت آراسته باشد.

۴) استفاده از مدل‌های حاوی فرض‌های ساده‌کننده در همه حوزه‌های معرفتی و عملی، از جمله در حوزه کاربرد زبان، می‌تواند راهگشای فهم بهتر و عمل مؤثرتر باشد. همچنین پیام باید از تحرک و تازگی کافی برخوردار باشد تا گوینده از تکرار بی‌مورد پرهیز نماید.

نحوه ارائه پیام: عبارتند از تصمیم‌هایی که گوینده برای انتخاب و تنظیم و ترتیب محتوای کلام می‌گیرد. گوینده می‌تواند پیام خود را با فرض‌ها و صور مختلف عرضه و برخی از آنها را خلاصه، تکرار یا حذف کند و بعضی دیگر را در انتها قرار دهد. تصمیم‌گیری برای مجموعه این انتخاب‌ها است که روش ارتباطی گوینده را تشکیل می‌دهد.

■ **گفت‌وگو باید در فضایی آزاد و به دور از تشنج و درگیری صورت گیرد: در گفت‌وگو، مخاطب باید فرصت اظهار عقیده و رأی داشته باشد. باور و عقیده، هرگز با اکراه و زور، قابل انتقال نیست. نباید هیچ فکری را به طرف مقابل تحمیل کرد.** ■

■ **روشن بودن اهداف و
غایات از لوازم مهم در
گفت‌وگوست به گونه‌یی
که اگر این اهداف برای
طرفین گفت‌وگو
شناخته‌شده و روشن
باشد، می‌توان امیدوار بود
که طرفین در مسیر
دستیابی به تبادل
سودمند، توفیق حاصل
کرده و بهره‌مند گردند.** ■

در تهیه و تدوین روزنامه (به عنوان یکی از ابزارهای گفت‌وگو) روزنامه‌نگار، پیام خود را به شیوه‌های مختلف ارائه می‌نماید. او محتوایی را که فکر می‌کند مورد توجه خوانندگانش واقع می‌شود، برمی‌گزیند. از میان کدها، لغاتی را که فکر می‌کند خوانندگان او می‌پسندند و ترجیح می‌دهند، انتخاب می‌کند.

د) شرایط مربوط به طرفین گفت‌وگو:

که در باب گوینده یا فرستنده پیام و همچنین مخاطب ذکر کردیم، وجود شرایط و لوازم مشترکی برای طرفین گفت‌وگو، ضروری است. گفت‌وگو یا تعامل کلامی، می‌تواند بین دو فرد، دو گروه، دو جامعه و یا دو فرهنگ و تمدن صورت گیرد. پس ضرورت دارد هر یک از طرفین گفت‌وگو، برای دستیابی به مفاهمی سودمند و هدفدار، خود را متخلف به آداب و شرایطی از قبیل موارد زیر نمایند: شناخت هدف و وجوه مشترک طرفین، برابر بودن موضع گفت‌وگو، برابری امکانات و حقوق طرفین گفت‌وگو، پذیرش تفاوت‌ها، آگاهی از موانع و مشکلات و آفات گفت‌وگو، پذیرش اصل تسامح و دگرپذیری، احترام و درک متقابل طرفین توسط دیگری، ملایمت و صداقت در گفتار و نفی خشونت و تهدید در آن، نقدپذیری گفت‌وگو، حفظ فضای دوستی و توجه به ارزش‌های اخلاقی - معنوی در گفت‌وگو.

دوم - شرایط بیرونی: این شرایط عبارتند از:

الف) نهادینه کردن فرهنگ گفت‌وگو در جامعه و برنامه‌ریزی برای آشنایی افکار عمومی با فرهنگ مفاهمه. ب) گفت‌وگو باید در فضایی آزاد و به دور از تشنج و درگیری صورت گیرد: در گفت‌وگو، مخاطب باید فرصت اظهار عقیده و رأی داشته باشد. باور و عقیده، هرگز با اکراه و زور، قابل انتقال نیست. نباید هیچ فکری را به طرف مقابل تحمیل کرد. گفت‌وگو چون مبتنی بر آزادی و

اختیار است، مطلوب و در این صورت مقدمه‌یی برای صلح، امنیت و عدالت خواهد بود.

ج) شناخت ابزار و وسایل گفت‌وگو: طرفین گفت‌وگو باید نسبت به ابزار و وسایل مورد استفاده در گفت‌وگو، شناخت داشته باشند و به تناسب نوع گفت‌وگو، زمان و مکان و دیگر زمینه‌ها، وسیله مورد نیاز خویش را انتخاب نمایند. ابزارهای گفت‌وگو دو دسته‌اند: ابزار کلامی و ابزار غیرکلامی یا نشانه‌یی.

ج - ۱) ابزار کلامی: گفت‌وگو و ارتباط بین افراد با استفاده از کلمات و مفاهیم صورت می‌گیرد. پس زبان به عنوان ابزار اساسی در گفت‌وگو مطرح است. زبان موجبات تحوّل اساسی و رشد انسان‌ها و حتی فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد. در ارتباط‌های کلامی، واژه‌ها ابزار اساسی هستند و به شکل شفاهی (وعظ، سخنرانی، کنفرانس، سمینار و گردهم‌آیی) یا مکتوب (روزنامه، مجلات، کتب، مکاتبه) القا می‌گردند.

ج - ۲) ابزار غیرکلامی یا نشانه‌یی: پیام‌های غیر بیانی فرستاده‌شده که با پیام‌های بدنی هم‌زمان هستند، عموماً ارتباط گفتاری را تقویت می‌کنند؛ مثل لبخند، اخم، تَن صدا، دست‌دادن، حرکات بدن و نگاه.

اهداف گفت‌وگو

در تبیین شرایط و لوازم گفت‌وگو اشاره شد که روشن بودن اهداف و غایات از لوازم مهم در گفت‌وگوست به گونه‌یی که اگر این اهداف برای طرفین گفت‌وگو شناخته‌شده و روشن باشد، می‌توان امیدوار بود که طرفین در مسیر دستیابی به تبادل سودمند، توفیق حاصل کرده و بهره‌مند گردند.

اهداف و غایات متصور برای گفت‌وگو عبارتند از:

۱) تأثیرگذاری و اقناع مخاطب؛

۲) شناخت متقابل و آگاهی از آرا و اندیشه‌ها و دست‌آوردهای دیگر اقوام، افزایش و گسترش دامنه معرفت و آگاهی طرفین گفت‌وگو؛

۳) غنی‌شدن، تکامل و تعالی طرفین گفت‌وگو؛

۴) شناخت و حل مشکلات موجود؛

۵) رفع بدگمانی‌ها، سوءتفاهمات، سوءبرداشت‌ها، ذهنیت‌ها و باورهای ناصحیح؛

۶) تأمین صلح، امنیت، تفاهم، آرامش و از بین رفتن خشونت، به ویژه در سطوح جهانی.

سوم) قالب‌های گوناگون گفتار

عصاره بحث از انواع جلوه‌های سخن و بسترهای گفت‌وگو عبارت است از:

(۱) گفت‌وگوی بین آدمیان می‌تواند در دو قالب شفاهی و کتبی تحقق یابد.

(۲) گفت‌وگو ممکن است به نحو مجادله‌یی و قرین با خشونت باشد و یا آنکه گفت‌وگویی مباحثه‌یی و با تحمّل یکدیگر، با هدف کسب حقیقت باشد.

(۳) گفت‌وگو می‌تواند بین موافقان دو دیدگاه در موضوعی دینی یا غیردینی

و یا بین دو فرد تعاملی در حوزه دل و بر مبنای عشق باشد. در گفت‌وگوی عاشقانه، مراد ادراک نظری، علمی و... نیست، بلکه بیان حالات خصوصاً عاشق در مقابل معشوق است. پس لطافت‌ها و زیبایی‌های خاص خود را دارد.

(۴) گفت‌وگو چه شفاهی، چه کتبی به دو صورت نثر و شعر جلوه‌گر می‌شود.

(۵) دادوستد فکری و قلبی هم می‌تواند به شکل امر واقعی - عینی در بیرون رخ دهد و هم می‌توان در موضوعی تخیلی - فرضی گفت‌وگویی بین دو موجود خلق کرد. دو گفت‌وگو کننده می‌توانند انسان، حیوانات و یا جمادات فرض شوند.

(۶) در گفت‌وگو برای کشف حقیقت بر اساس مبانی دینی، معصوم با غیر معصوم تفاوت بنیادین دارد. چون معصوم به امر قدسی دسترسی داشته و بالاترین درجه حقیقت برای آنها قابل کشف است، اما برای دیگران در آن حدّ چنین امکانی وجود ندارد. در مباحثه امامان معصوم با غیر مسلمین، ادله مخالفان را به حدّی بادقت گوش می‌کردند که گویی ادله‌شان را پذیرفته‌اند.

(۷) گفت‌وگوی انسان‌ها، به قدمت تفکر بشر و در شرق و غرب ریشه‌دار است.

(۸) می‌توان از جهت نظامی و سیاسی، حکومتی را نفی کرد، ولی از جنبه فرهنگی و تمدنی با آنها به گفت‌وگو نشست.

(۹) ارتباط کلامی بین انسان‌ها و مذاهب و ادیان، اختلافات نظری و عملی بین آدمیان و کشورها را کاهش می‌دهد.

(۱۰) در قالب گفت‌وگو و با استفاده از ابزار هنر می‌توان

مطالب پیچیده و سنگین (مثلاً فلسفی) را به صورت ساده فهم‌تر به دیگران منتقل نمود.

(۱۱) سخن‌گفتن انسان ممکن است با خودش باشد، تا جایی که در یک جدال جدّی با خود، به حقایق معنوی و یا فلسفی و علمی دست یابد.

(۱۲) در هر جامعه‌ایی که سخن‌گفتن در اقسام جلوه‌ها

در مباحثه امامان معصوم با غیر مسلمین، ادله مخالفان را به حدّی با دقت گوش می‌کردند که گویی ادله‌شان را پذیرفته‌اند.

تکثّر یابد، به راحتی ظاهر شود و به زبان‌های مختلف بیان گردد، آن جامعه از شرایط و بسترهای لازم برای گفت‌وگو جهت اخذ حقیقت و دادوستد تمدنی - فرهنگی برخوردارتر است.^۷

پانوشته‌ها:

1. s New World Dictionary of The American Language, page 921, Ed.David Guralnik, second Webster. College Edition, Hall Press, ۱۹۸۶.B.s New World, surjeet press, ۱۹۸۹'Wfebster.

۲. ژان برن، سقراط (۱۳۶۶) ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. هولاب، رابرت (۱۳۷۵) یورگن هابرماس، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۷۵.

۴. محمدباقر مجلسی (۱۴۰۳ هـ. ق) بحارالانوار، ج ۱۰، بیروت، الجامعه الدرر الاخبار الائمه الاطهار (چاپ دوم).

۵. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۶۹)، ارتباط شناسی تهران، نشر سروش، صفحه ۲۲۴.

۶. خاتمی، سیدمحمد (۱۳۷۸)، هزاره تفاهم و گفت‌وگو (گزارش سفر حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی به سازمان ملل متحد)، نشر رسانش (چاپ اول).

۷. منصورنژاد، محمد - به اهتمام (۱۳۸۱) گفت‌وگوی تمدن‌ها با نگاهی به رویکردهای هانتینگتون، صفحه ۶۰، فوکویاما، خاتمی و هابرماس، تهران، انتشارات جهاد

دانشگاهی، صفحه ۶۰.